

متن پرسش

با عرض سلام: حقیر با اینکه مبتلا به کرونای نسبتا شدیدی شدم بنحوی که بارها در طول ابتلا شهادتین را به لب جاری می‌کردم و پس از بهبودی نسبی گرفتار افسردگی شدید شدم هم اکنون هم بسیاری از سیستم های بدنم مختل است. مثلا احساس درد تا حدی در سراسر بدنم تعطیل است با اینکه این بیماری وحشتناک ترین حادثه عمرم بود ولی هم اکنون شاید جزو معدود افرادی باشم که خوشحالم که این تجربه در زندگیم رخ داد چون تجربه ای استثنایی بود و درک مرا نسبت به هستی افزود و از آن موقعیت های مرزی بود که اگر بیستانیالیستها در بدر دنبالش هستند حال سوالاتی از محضر استاد دارم: ۱. با توجه به اینکه کرونا حواس مرا موقتا تغییر داد برگردیم به سخن نسبی گراها، واقعیت کدام است حواس جدید هم مثلا من به علم حضوری می یابم آب جوش در دهانم داغ نیست چرا این علم حضوری را فدای علم حصولی (شهادت دیگران، شهادت حافظه خودم) کنم؟ ۲. کرونا عواطف و وجدانیات مرا هم تغییر داده بنحوی که من در کنترل خشم مشکل داشتم اما الان وحشتناک آرامم با سعه صدر بالا چگونه ممکن است و من کدامم؟ اگر ملاک حشر ملکات است چگونه کرونا ملکات را نابود کرد و بعد ازین اگر ملکات بازگشت نکرد من با کدام ملکه حشر می‌شوم و اصولا ملاک ملکات لحظه ی مرگ است؟ ۴. بنظر می‌رسد انسان روح مجرد ندارد چون تغییری که کرونا ظاهرا در مغز حقیر صورت داد باعث شد مجردترین ابعاد من را هم تغییر دهد. بنظر می‌رسد یا برگردیم به حرف ماتریالیست ها یا ما که خدا باوریم برگردیم به حرف محدثین و یا متکلمینی که می‌گفتند موجود مجرد فقط خداست و انسان فقط ماده است بله ماده ایست که خدا اراده کرده در او حافظه، احساس، ادراک و چیزهای دیگری که فکر می‌کنیم غیر مادی اند قرار دهد. مشکل فلاسفه این بود که علی رغم اینکه قرآن حتی جمادات را هم مدرک می‌داند به سنگ و .. نگاه می‌کردند به نگاه ظاهری درکی در او نمی دیدند بعد به انسان می‌رسیدند ویژگی های غیر مادی در او میدیدند بعد نتیجه می‌گرفتند روح مجردی در کار است در حالیکه روحی در کار نیست همین جسم مادی آن ویژگی های غیر مادی را خدا اراده کرده در او تعبیه کند. همین مغز بدون نیاز به روح ادراک کلیات و... می‌کند و بعد هم معاد جسمانی دال بر این است که ما فقط جسمیم و الا خودتان بهتر می‌دانید همان معاد روحانی کافی بود و می‌دانید که ملاصدرا به چه دروسرهایی افتاد و آخرش هم بعید می‌دانم قائل بشوید که همین بدن گوشت و پوست و استخوانی دنیوی حشر کند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: شواهد حکایت از آن دارد که در دل جریان حضور ویروس کرونا در جهان در این تاریخ، تقدیری در میان است تا انسان‌ها به‌کلی خود را و جهان خود را بازخوانی کنند. ولی در این بازخوانی بالاخره اصالت‌های عالم در جای خود محفوظ است. مثل آن که علم به خود داریم که دلیل بر مجرد نفس است و یا این که آنچه را ملکات می‌پنداشتیم با فشار سکراتی حاصل از بیماری کرونا متوجه می‌شدیم چندان هم آن امور از ملکات نبوده‌اند که ویران شده. در هر حال به نظر می‌آید تقدیری است که باید اکثر انسان‌ها تجربه کنند تا به حضور دیگری بیندیشند و به پساکرونا که ظاهراً جهان دیگری است فکر کنند، به‌خصوص که کارشناسان پزشکی، افق ده ساله آینده را افق همراه با این ویروس می‌دانند. که البته این نگاه، در محدوده اندیشه‌های تجربی است. گویا باید موضوع را عمیق‌تر از این دنبال کرد. موفق باشید